

فرهنگ حمل سلاح در آمریکا از دیدگاه احزاب

بررسی و نقد فرهنگ حمل سلاح در آمریکا از دیدگاه جمهوری خواهان و دموکرات‌ها

ویرجینیا بیچ^۴ واقع در ویرجینیا، سن برناردینو واقع در کالیفرنیا، لاس وگاس و پیتسبورگ،^۵ پیش از این، در تیراندازی‌های جمعی به قربانگاهی برای قربانیان تبدیل شده بودند. در حدود کمتر از ۸ ماه، چندین مورد از این نوع حملات در آمریکا رخ داده است و بعد از هر حمله، رهبران سیاسی فقط پیام تسلیت خود را برای خانواده قربانیان فرستاده و با آن‌ها ابراز همدردی نموده‌اند؛ اما دموکرات‌ها و جمهوری خواهان، عکس‌العمل‌های بسیار متفاوتی نشان داده‌اند.

دموکرات‌ها دم از مسامحه قوانین و مقررات سلاح در این خصوص می‌زنند و انتقاد می‌کنند که چرا اقدامی از سوی مجریان قانون صورت نمی‌گیرد. آن‌ها انجمن ملی سلاح^۶ و لابی اسلحه را سرزنش می‌کنند و همان‌طور که سخنگوی کاخ سفید، نانسی پلوسی روز یکشنبه صبح

درد و ترجیح می‌دهند، خشونت و فاجعه را تأیید نکنند تا تهدیدی برای قدرت خود نباشد.

در بحبوحه ترس و وحشت تیراندازی‌های گسترده، به راحتی می‌توان فراموش کرد که سلاح‌ها، در واقع عامل پیوند جامعه هستند و اقدامات برای کنترل حمل سلاح اگر این مسئله را در نظر نگیرند، با شکست مواجه خواهد شد. دو تیراندازی دسته‌جمعی در این هفته، آتش بحث و جدل کنترل سلاح را شعله‌ورتر ساخت؛ بحثی که به نظر می‌رسد، هیچ‌گاه تمامی ندارد و هرگز حل نخواهد شد. در بازه زمانی کمتر از ۲۴ ساعت، شهرال پاسو واقع در تگزاس^۱ و شهر دایتون واقع در اوهایو^۲ نیز به رژه‌های اعتراضی شوم و غم‌انگیز در شهرهای بزرگ و کوچک آمریکا اضافه شدند؛ مکان‌هایی مانند لیتلتون و کلرادو^۳،

تیراندازی در شهرهای ال پاسو، دایتون لیتلتون، کلرادو، ویرجینیا، سن برناردینو، لاس وگاس و پیتسبورگ، در کمتر از ۸ ماه این شهرها را به قتلگاه تبدیل کرد. هدف این یادداشت، بررسی و نقد فرهنگ حمل سلاح در آمریکا است که جمهوری خواهان و دموکرات‌ها، آن را نمی‌دانند یا با توجه به منافع خود، در قبال آن موضع‌گیری می‌کنند. در واقع، جمهوری خواهان به دلیل حفظ قدرت، عدم پاسخگویی را در پیش گرفته و معتقد بودند که قانون و فرهنگ حمل سلاح، مشکلی ندارد و بیماری‌های روانی باعث خشونت با اسلحه شده است؛ اما دموکرات‌ها قانون اسلحه را عامل این خشونت‌ها اعلام می‌کنند، چرا که به دنبال رسیدن به قدرت بوده‌اند؛ بنابراین، از دیدگاه این دو حزب، منافع حزبی به جان مردم ارجحیت

4. Virginia Beach
5. Las Vegas, and Pittsburgh
6. National Rifle Association

1. El Paso, Texas
2. Dayton, Ohio
3. Littleton, Colorado

بیان داشت: «عدم اقدام نمایندگان جمهوری خواه مجلس سنا، وظیفه خطیر ما در حفاظت از جان مردان زنان و بچه‌های بی‌گناه را زیر سؤال می‌برد. ما باید یک بار برای همیشه به این اپیدمی پایان بخشیم». جمهوری خواهان مخالفت می‌کنند و می‌گویند که قوانین سلاح، مشکلی ندارد و این بیماری‌های روانی است که منجر به خشونت با سلاح می‌شود. بلافاصله بعد از کشتارهای گسترده، غالباً به تیراندازان لقب وصله ناجور داده می‌شود؛ بنابراین، افرادی که پاتریک کروسئوس^۱ را می‌شناسند، همان فردی که گفته می‌شود مرتکب قتل عام در آل پاسو شده است، او را فردی «آرام، گوشه‌گیر و کمی عجیب و غریب» توصیف کرده‌اند. به ما گفته شده است که سلاح‌ها مردم را نمی‌کشند، این مردم هستند که همدیگر را می‌کشند. آمریکایی‌های روشنفکر و بااخلاق، خود را گیر افتاده در بن‌بست ابدی معنا و محدودیت‌های تضمین حق حمل سلاح در قانون اساسی می‌بینند. لیبرال‌های کم‌تر روشنفکر، صاحبان اسلحه را گیر افتاده در انجمن ملی سلاح می‌بینند؛ و محافظه‌کاران طرفدار حمل سلاح، نگران این احتمال هستند که بروکرات‌های واشنگتن، آن‌ها را از توانایی دفاع از خود محروم نمایند؛ اما بن‌بست آمریکا در خصوص سلاح، جدی‌تر از این حرف‌ها است و همچنان، مبتنی بر اشتباه بزرگی

1. Patrick Crusius

است که هر دو طرف درباره خود اسلحه و نقش آن در جامعه مرتکب شده‌اند. این نگرش که سلاح‌ها ابزارهایی خنثی هستند، در بین تعدادی از مدافعان محافظه‌کار حمل اسلحه و همچنین، طرفداران لیبرال قوانین سلاح رواج دارد. نگرش فوق، یک نکته مهم درباره سلاح و مالکیت سلاح را در نظر نمی‌گیرد و به اشتباه فرض را بر این می‌گذارد که توزیع سلاح و حضور آن‌ها در زندگی صاحبان سلاح، هیچ ربطی به حوادثی که منجر به استفاده از این سلاح‌ها می‌گردند، ندارد.

البته تحقیقات در خصوص فرهنگ و نگرش‌های سیاسی مالکان سلاح، جلوه کاملاً متفاوتی از این مسئله را نشان می‌دهد. سیاست صاحبان سلاح معمولاً در حیطه رعایت اصول انجمن ملی سلاح قرار نمی‌گیرد، بلکه خود سلاح‌ها آن‌چنان با زندگی این افراد عجین شده‌اند که در واقع، چیزی بیش از یک ابزار برای آن‌ها هستند. این مسئله حاکی از آن است که مسیر اصلاح قانون اسلحه به آن سادگی‌ها هم که لیبرال‌ها به آن امیدوارند یا محافظه‌کاران از آن هراس دارند، نیست. یکی از نظرسنجی‌های جالب و موثق درباره نگرش صاحبان سلاح، توسط مرکز تحقیقاتی پیو^۲ در سال ۲۰۱۷ انجام شد؛ این نظرسنجی نشان می‌دهد که اکثریت عظیمی از صاحبان اسلحه، عضو انجمن ملی سلاح نیستند و بیشتر آن‌ها موافق اقدامات کنترل

2. Pew Research Center

حمل سلاح هستند. باین حال، اکثر آن‌ها موافق وضع شدن قوانین بیشتر در خصوص حمل سلاح نیستند، زیرا آن‌ها نه به دولت اعتماد دارند و نه باور می‌کنند که دولت، از آن‌ها محافظت خواهد کرد. آن‌ها حتی از تحقیقی که در بیانات باراک اوباما در خصوص سبک زندگی‌شان دیده می‌شد، رنجیده‌خاطر هستند. اوباما انزجار خود را از افرادی که مثل آن‌ها نیستند، اعلام کرده و گفته بود که آن‌ها یا به مذهب می‌چسبند یا به اسلحه. این در صورتی است که آن‌ها، خودشان را در یک دنیای خطرناک می‌بینند.

فروش، ساخت، توزیع، خرید و تولید اسلحه و همچنین، نظر صاحبان آن‌ها تا حدی پاسخ به ضعف‌های مشهود دولت و نیاز به هوشیاری دائمی همراه با ترس از افراد است. اسلحه‌ها به عنوان سلاح‌های خطرناک، نوعی قدرت مستقیم در جهانی که خبری از اعتماد و تعلق مدنی در آن نیست، ارائه می‌دهند. در گزارش نظرسنجی پیو آمد که ۶۷ درصد از صاحبان اسلحه، می‌گویند حفاظت، یکی از دلایل اصلی داشتن اسلحه است. ۳۸ درصد شکار را دلیل داشتن اسلحه عنوان نموده، ۳۰ درصد تیراندازی ورزشی و ۱۳ درصد، جمع‌آوری اسلحه را به عنوان دلایل اصلی اعلام کرده‌اند. از نظر فرهنگی، اسلحه فقط واکنش به ترس و اضطراب نیست. برخلاف نظر صاحبان اسلحه، طرفداران کنترل اسلحه، به ندرت سلاح را یک

دارایی اجتماعی با اهمیت تلقی می‌کنند. در یک جامعه تجزیه شده، اسلحه افراد را به هم وصل می‌کند، آن هم در زمانی که چنین کاری، بسیار دشوار شده است.

تا حدی به دلیل خطر و جذابیت اسلحه و تا حدی هم به دلیل اینکه این موضوع در مرکز توجه یک فرهنگ ورزشی که در میان آمریکایی‌ها ریشه دوانیده است، قرار دارد. اسلحه، در موقعیت‌هایی مانند نمایشگاه‌ها، میدان‌های تیر و پت روم‌های آنلاین، طرفداران آن را در یکجا گرد هم می‌آورد. در سطح تفریحی، شرکت‌کنندگان می‌توانند در بحث و گفتگوهای سرگرمی شرکت کنند؛ در سطح سیاسی و فرهنگی، آن‌ها می‌توانند یک تعهد مشترک نسبت به شهروندی مسلحانه به وجود آورند. صاحبان اسلحه به خاطر ترس مشترک خود از تهدیدهای پراکنده و غیرقابل پیش‌بینی زندگی معاصر، باهم ارتباط برقرار می‌کنند و متحد می‌شوند. نظرسنجی پیو این‌طور نتیجه‌گیری کرد: «بسیاری از صاحبان اسلحه امانه همه آن‌ها، در یک موقعیت اجتماعی قرار دارند که در آن، مالکیت اسلحه یک هنجار است. تقریباً نیمی از صاحبان اسلحه می‌گویند که همه یا بیشتر دوستانشان اسلحه دارند. البته در تضادی آشکار، از بین افرادی که اسلحه ندارند، فقط از هر ده نفر، یک نفر می‌گوید که همه یا بیشتر دوستانشان اسلحه دارند.» این ارتباطات اجتماعی

کمک می‌کنند تا زندگی صاحبان اسلحه، سازمان‌دهی و معنادار شود. از این زاویه که به قضیه نگاه کنیم، می‌بینیم که یک جامعه شناس به نام دیوید یامن گفته است: «اسلحه وسیله‌ای معمولی است که افراد معمولی هم از آن استفاده می‌کنند». در حالی که ما به سوگ قربانیان ال پاسو و دایتون نشسته‌ایم و می‌خواهیم که عاملان این حوادث در دادگاه‌ها به اشد مجازات خود برسند، رهبران سیاسی آمریکا، به ویژه آن‌هایی که خواهان وضع قوانین شدیدتری هستند، باید بدانند که اسلحه برای بسیاری از کسانی که اسلحه دارند، چیزی بیش از فقط یک ابزار با قدرت کشندگی است. این وسیله شیوه درک افراد از هویت سیاسی خود و قدرت شهروندی‌شان را شکل داده است و گاهی، حتی تغییر هم می‌دهند. اسلحه کمک می‌کند تا نگرش‌هایی در جامعه به وجود آید و درعین حال، برخی از نگرش‌های دیگر را از بین می‌برد. اسلحه برای صاحب خود، در واقع، مظهر تجسد مادی یک شهروند خوب است.

هرگونه اصلاح واقعی قانون سلاح، باید این جمعیت و نظام ارزشی آن را در نظر گیرد. لیبرال‌ها به دارندگان سلاح نیاز دارند و به آن‌ها، به چشم هم‌پیمان و متحدان خود نگاه می‌کنند. امروزه در پی تیراندازی‌های گسترده، شهروندی خوب مستلزم آن است که میلیون‌ها صاحب اسلحه که می‌گویند، از قوانین سلاح

حمایت می‌کنند کاری بیش از فقط به فکر زندگی خود بودن، انجام دهد. آن‌ها باید حمایت و پشتیبانی خود را به یک فعالیت پرسروصدا تبدیل نمایند. با انجام این کار، آن‌ها می‌توانند کمک کنند تا تغییرات لازم برای محافظت از جمعیتی که همه انسان‌ها عضو آن هستند، صورت پذیرد. به منظور آنکه صاحبان سلاح، مایل به انجام این کار شوند، باید اطمینان حاصل نمایند از این‌که طرفداران لیبرال اصلاح قانون سلاح، شیب تند قوانین پرچم قرمزها را طی نخواهند کرد، سلاح‌های نیمه اتوماتیک و مخازن بزرگ مهمات خود را پُر نخواهند نمود، نمایشگاه‌های سلاح را نخواهند بست، قوانین مزاحمی وضع نخواهند کرد و با این‌گونه اقدامات، فرهنگی را که برای میلیون‌ها نفر ارزشمند است و ریشه در تأسیس آمریکا دارد، سرکوب نخواهند کرد.